

دکتر دیوید ال. متیوسون، الهیات عهد جدید، جلسه ۱۹، خروج جدید، بخش ۲

دیو متیوسون و تد هیلدیرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دیو متیوسون هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه ۱۹، خروج جدید، بخش ۲ است.

بنابراین، ما به اهمیت مضمون خروج در عهد عتیق به عنوان نوعی ویژگی تعیین‌کننده یا هویت بخش قوم خدا، کسانی که خدا به عنوان قوم خود در خروج اول نجات داد و رهایی بخشید، پرداختیم.

اما دیدیم که اهمیت خروج در واقع پیامبران عهد عتیق را بر آن می‌دارد تا رهایی و نجات قومش توسط خدا را در آینده به عنوان یک خروج جدید که از الگوی خروج اول پیروی می‌کند، تصور کنند. ما شروع به بررسی این موضوع می‌کنیم که چگونه نویسندگان عهد جدید، به ویژه در اناجیل، مضامین خروج و خروج جدید را به تصویر می‌کشند، از آنها الهام می‌گیرند و عیسی را به عنوان کسی که انتظارات نبوی از یک خروج جدید را برآورده می‌کند، به تصویر می‌کشند. ما به طور خاص به متی و به طور خلاصه به مرقس نگاه کردیم. متون دیگری نیز وجود دارند که می‌توانیم به آنها اشاره کنیم و در مورد آنها بحث کنیم، اما در آنها این کار را نخواهیم کرد.

اما می‌خواهم به سراغ متون دیگر بروم. می‌توانیم به انجیل لوقا نیز اشاره کنیم. از هر یک از اناجیل به یک مثال نگاه خواهیم کرد، اما می‌توانیم به انجیل لوقا و لوقا فصل ۴ و آیه ۱۶ و بعد از آن، در همان ابتدای خدمت عیسی، از آیه ۱۶، اشاره کنیم.

پس او، عیسی، به ناصره، جایی که بزرگ شده بود، رفت و در روز سبت، طبق رسم خود به کنیسه رفت. او برای خواندن برخاست و طومار اشعیا نبی به او داده شد. او آن را باز کرد و جایی را یافت که نوشته شده است: روح خداوند بر من است، زیرا مرا مسح کرده است تا مژده فقرا را برسانم.

او مرا فرستاده است تا آزادی را به اسیران و بینایی را به نابینایان اعلام کنم، ستمدیدگان را آزاد سازم و سال لطف خداوند را اعلام کنم. اکنون یک بار دیگر، اگرچه کلمه یا بخشی از زبان واضح خروج که در برخی دیگر از متون اشعیا دیدیم، در اینجا نیست، اما در عین حال، این زبان عیسی که آزادی را برای اسیران می‌آورد، این زبان عیسی که نجات را برای مردم می‌آورد، درست از اشعیا فصل ۶۱ و آیات ۱ و ۲ می‌آید، فکر می‌کنم حداقل به طور ضمنی این نجاتی را که عیسی در لوقا ۴ می‌آورد، در یک زمینه خروج جدید قرار می‌دهد. همانطور که گفتیم، به ویژه ۴۰ تا ۵۵، اما ۴۰ تا ۶۶ کتاب اشعیا، رایج‌ترین مضمون، خروج جدید است.

اغلب، وقتی نویسندگان عهد جدید به بخش‌هایی از متون عهد عتیق یا نقل قول‌هایی از آنها اشاره می‌کنند آن متون زمینه وسیع‌تر نقل قول را با خود به همراه دارند. بنابراین، احتمالاً باید فصل ۶۱ اشعیا را با توجه به مفهوم گسترده‌تر اشعیا از بازگشت، که او آن را به عنوان خروج جدید به تصویر می‌کشد، بخوانیم. بنابراین، آزادسازی مردم از اسارت توسط عیسی و آوردن نجات به ستمدیدگان، احتمالاً باید به عنوان بخشی از مضمون خروج جدید اشعیا در نظر گرفته شود، به طوری که حتی لوقا نیز عیسی را به عنوان آورنده خروج جدید به تصویر می‌کشد.

یوحنا فصل ۶، آیات ۲۵ و پس از آن، جایی که عیسی مسیح به عنوان نان حیات به تصویر کشیده شده است، نانی که از پیش به شیوه‌ای که خدا برای قوم خود اسرائیل فرستاد، از آسمان برای قوم خود فرستاده شده بود، تصویر شده است. بنابراین، عیسی می‌گوید وقتی او را یافتند، یا سخنان یوحنا که از آیه ۲۵ یوحنا

«شروع می‌شود، وقتی او، عیسی، را در آن سوی دریاچه یافتند، از او پرسیدند: «ربی، کی به اینجا رسیدی؟ ۶ عیسی پاسخ داد:» به راستی، به شما می‌گویم، شما به دنبال من نیستید، نه به خاطر اینکه نشانه‌هایی را که من انجام دادم دیدید، بلکه به خاطر اینکه نان‌ها را خوردید و سیر شدید. برای غذایی که فاسد می‌شود کار نکنید، بلکه برای غذایی که تا حیات جاودان باقی می‌ماند، غذایی که پسر انسان به شما خواهد داد

، زیرا خدای پدر بر او مهر تأیید زده است. سپس از او پرسیدند که برای انجام کارهایی که خدا از ما می‌خواهد چه باید بکنیم. عیسی پاسخ داد که کار خدا ایمان آوردن به اوست، کسی که او فرستاده است. بنابراین، از او پرسیدند، چه نشانه‌ای می‌دهی تا ما آن را ببینیم و به تو ایمان بیاوریم؟ چه خواهی کرد؟ اجداد ما در بیابان مَتَّا خوردند

چنانکه نوشته شده است، او از آسمان به ایشان نان داد تا بخورند. آنگاه عیسی به ایشان گفت: «آمین، به شما می‌گویم که موسی نان را از آسمان به شما نداده است، بلکه پدر من است که نان حقیقی را از آسمان به شما می‌دهد. زیرا نان آسمان، نانی است که از آسمان نازل می‌شود و به جهان حیات می‌بخشد

آنها گفتند: «آقا، همیشه این نان را به ما بده.» سپس عیسی اعلام کرد: «من نان حیات هستم. هر که نزد من آید، هرگز گرسنه نخواهد شد و هر که به من ایمان آورد، هرگز تشنه نخواهد شد

بار دیگر، جزئیات متعددی وجود دارد که باید در این متن به آنها پرداخته شود، اما تنها چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنید، ارتباط یوحنا با مَتَّا است که خدا در بیابان به مردم داد و اکنون نان حقیقی که عیسی است، که از آسمان می‌آید و اکنون خدا به قوم خود می‌دهد. بنابراین، به نظر من، یوحنا به طور ضمنی دوباره مضمون خروج را تداعی می‌کند. همانطور که خدا در اولین خروج، هنگامی که قوم خود را پس از رهایی از مصر در بیابان رها کردند، مَتَّا را برای آنها فراهم کرد، اکنون نیز خدا از طریق عیسی که مظهر حیات است و در مَتَّا است که خدا از آسمان به قوم خود داد، تجسم یافته است، برای قوم خود فراهم می‌کند

همچنین، شام خداوند، بدون اشاره به متن خاصی، اما انجیل‌های هم‌نوا با عید فصح که عیسی درست قبل از مرگ، محاکمه و مرگ خود جشن می‌گیرد، مطابقت دارند. در پایان انجیل‌ها، انجیل‌ها عیسی را در حال شرکت در یک شام، وعده غذایی که او با شاگردانش بنیان می‌نهد و آغاز می‌کند، به تصویر می‌کشند، که جالب توجه است که در متن وعده غذایی فصح است که برای بزرگداشت خروج از مصر بود. و اکنون دوباره، اگر می‌توانید، به اول قرن‌های ۱۱ بروید، جایی که پولس سخنان عیسی را در رابطه با عهد جدید نقل می‌کند

اما واضح است که شرکت کلیسا در شام خداوند، وعده غذایی عشای ربانی یا عشای ربانی یا هر نام دیگری که می‌خواهید روی آن بگذارید، به منظور بزرگداشت و یادآوری عمل نجات خداوند است، همانطور که شام فصح برای یادآوری عمل نجات قومش در اولین خروج از مصر توسط خداوند بود. بنابراین، احتمالاً حتی شام خداوند را نیز باید به عنوان بخشی از مضمون جدید خروج از مصر درک کرد. بنابراین، در سراسر انجیل‌ها، به نظر می‌رسد که عیسی در حال اجرای یک نجات جدید از خروج است، همانطور که در پیامبران وعده داده شده است و به عنوان بیان نهایی و تحقق خروج اصلی که در آن خداوند قوم خود را از مصر بیرون آورد

بنابراین، عیسی، نویسندگان انجیل تا حدودی، و به طور واضح‌تر در متی و مرقس، عیسی را به عنوان کسی که نجات جدید خروج را که متن نبوی، به ویژه اشعیا، وعده داده بود، تحقق می‌بخشد، به تصویر می‌کشند. بنابراین، خود عیسی خروج جدیدی را به ارمغان می‌آورد. دیوید پاول، استاد عهد جدید در مدرسه الهیات انجیلی ترینیتی در شیکاگو، ایلینوی، در ایالات متحده، بدون ورود به هیچ جزئیاتی، در کتابی استدلال کرده

است که فصل‌های ۴۲ تا ۵۵ اشعیا نقش مهمی در داستان کتاب اعمال رسولان و اعمال رسولان از کلیسای اولیه ایفا می‌کنند.

و پاول، دقیقاً همانطور که ریچی واتس برای مرقس انجام داد، دیوید پاول برای اعمال رسولان نیز انجام می‌دهد. او توجه را به اشارات متعدد به اشعیا در کتاب اعمال رسولان جلب می‌کند. بنابراین، باز هم، اعمال رسولان نه تنها مضمون خروج را به طور کلی‌تر بسط می‌دهد، بلکه به طور خاص مضمون خروج اشعیا را از ۴۰ تا ۵۵ بسط می‌دهد.

بنابراین اگر می‌خواهید مضمون خروج را در کتاب اعمال رسولان دنبال کنید، دیوید پاول با این استدلال، بار دیگر، چه فکر کنید که این مضمون اصلی است، حداقل یکی از مضامین غالب است و نحوه‌ای که رستگاری و حرکت کلیسای اولیه و رشد و گسترش انجیل در کتاب اعمال رسولان به عنوان یک خروج جدید تصور می‌شود که تحقق خروج جدید اشعیا فصل ۴۰ و پس از آن است، به ما خدمتی کرده است. بنابراین، حتی به نظر می‌رسد که اعمال رسولان، در جاهای متعدد، با زبان خروج و مضامین خروج از کتاب اشعیا طنین‌انداز است. حال، برای اینکه به سراغ ادبیات و متن پولس برویم، بارها و بارها، پولس رستگاری را از نظر رستگاری از بردگی، یعنی رهایی از گناه و قدرت آن بر ما، ارائه می‌دهد.

اما او این کار را در چندین زمینه انجام می‌دهد، و به نظر می‌رسد که این کار را در چارچوب مضمون خروج انجام می‌دهد. بنابراین، برای مثال، برای دنبال کردن دوباره نامه‌های پولس به ترتیب متعارف، از رومیان باب شروع می‌کنیم، و یک بار دیگر، احتمالاً متون متعددی وجود دارد که می‌توانیم به آنها مراجعه کنیم، اما ۸ رومیان باب ۸، و من چند آیه اول را می‌خوانم و سپس به آیات ۱۲ تا ۱۷ از رومیان باب ۸ می‌روم. در واقع چه کسی کاملاً با او موافق باشد چه نباشد، ان تی. رایت استدلال کرده است که کل خروج و داستان اسرائیل از طریق خروج، زیربنای فصل‌های ۶ تا ۸ به طور کلی است، بنابراین او زبان جدید زیادی از خروج را در باب ۸ می‌یابد. اما با شروع از آیه ۱ از باب ۸ رومیان، بنابراین، اکنون هیچ محکومیتی برای کسانی که در مسیح عیسی هستند وجود ندارد، زیرا از طریق مسیح عیسی، قانون روح که حیات می‌بخشد، شما را از قانون گناه و مرگ آزاد کرده است. زیرا آنچه شریعت به دلیل ضعف جسم از انجام آن ناتوان بود، خدا با فرستادن پسر خود به شباهت جسم گناهکار به عنوان قربانی گناه، انجام داد.

اما سپس آیات ۱۲ تا ۱۷: بنابراین، برادران و خواهران، ما مدیون نفس هستیم، اما نه به نفس که بر طبق آن زندگی کنیم. زیرا اگر بر طبق نفس زندگی کنید، خواهید مرد، اما اگر به وسیله روح، گناهان بدن را بکشید، زنده خواهید ماند. زیرا کسانی که به وسیله روح خدا هدایت می‌شوند، فرزندان خدا هستند.

و این اولین عنصر از بن‌مایه‌ی خروج خواهد بود، که همانطور که بنی اسرائیل در بیابان هدایت می‌شدند هدایت می‌شود. اکنون، قوم خدا توسط روح خدا هدایت می‌شوند. آیه ۱۵: روحی که دریافت کرده‌اید، شما را برده نمی‌کند تا دوباره در ترس زندگی کنید.

بلکه روحی که دریافت کردید، شما را به مقام پسرخواندگی رساند. و به واسطه او، ما فریاد می‌زنیم: «ابا، پدر.» «خودِ روح با روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا یا پسران خدا هستیم.

حال، اگر ما فرزند هستیم، پس وارث هستیم، وارث خدا و هم ارث با مسیح، اگر واقعاً در رنج او شریک هستیم، تا در جلال او نیز شریک باشیم. حال، علاوه بر موضوع هدایت شدن توسط روح، به تضاد زبان بین بردگی و پسران یا فرزندان توجه کنید. بنابراین، همانطور که بنی اسرائیل در مصر، در اسارت مصر، به بردگی کشیده شدند، اکنون قوم خدا در اسارت و بندگی گناه توصیف می‌شوند. آنها برده هستند، اما اکنون نجات یافته و رهایی یافته‌اند تا پسران کامل یا فرزندان کامل شوند، که شاید دوباره منعکس کننده زبان پسرخواندگی باشد که حتی به خروج فصل ۴ برمی‌گردد، جایی که اسرائیل پسر خدا بود.

سپس اسرائیل از بردگی نجات می‌یابد و به یک معنا، به عنوان فرزندان خدا، به عنوان پسران خدا، در یک رابطه پیمانی با او، به فرزندی پذیرفته می‌شود. بنابراین این حرکتی که در رومیان فصل ۸، آیات ۱۲ تا ۱۷، از بردگی برای کودکان و هدایت شدن توسط روح خدا می‌یابیم، احتمالاً به معنای انعکاس زبان خروج است. غلاطیان فصل ۴، دوباره به ترتیب متعارف حرکت می‌کند، غلاطیان فصل ۴ و آیات ۳ تا ۸، و می‌خواهم دوباره به زبان رستگاری، زبان رستگاری از بردگی، پسر شدن، توجه کنید که همه اینها منعکس کننده تصویر خروج یا زبان خروج از بردگی و سپس تبدیل شدن به پسران خدا، به فرزندی پذیرفته شدن در یک رابطه پیمانی با خدا است.

بنابراین، آیه ۳، همچنین وقتی ما زیر سن قانونی بودیم، در بردگی نیروهای روحانی ابتدایی جهان بودیم. بنابراین، پولس اکنون مردم را نه تحت بردگی یک ملت ستمگر خارجی، اگرچه می‌توانستند باشند، بلکه اکنون بردگی گناه، بردگی شیطان و شری می‌بیند که باید از آن رهایی یابند. به همین ترتیب، وقتی شما زیر سن قانونی بودید، ما در بردگی نیروهای روحانی ابتدایی جهان بودیم.

اما وقتی زمان به طور کامل فرا رسید، خدا پسر خود را فرستاد، که از زنی زاده شده بود و تحت شریعت متولد شده بود، تا کسانی را که تحت شریعت بودند، نجات دهد تا ما بتوانیم فرزندخواندگی را دریافت کنیم زیرا دوباره، با زبانی شبیه و یادآور رومیان ۸، چون شما پسران او هستید، خدا روح پسرش را به قلب‌های ما فرستاد، روحی که ابا پدر را فرا می‌خواند. بنابراین شما دیگر برده نیستید، بلکه فرزند یا پسر خدا هستید.

و از آنجایی که شما فرزند یا پسر او هستید، خدا شما را نیز وارث قرار داده است. بنابراین، یک بار دیگر، این زبان ما را در بردگی بودیم، خدا ما را نجات داد و از آن رهایی بخشید تا پسران او، فرزندان او به عنوان پسرخوانده‌ها شویم. و به همین دلیل، وارثان او نیز خواهیم بود.

شاید زبان ارث دوباره ارث بردن از زمین را که در عهد عتیق یافت می‌شود، به یاد بیاورد. متن دیگر، کولسیان فصل ۱، متنی است که قبلاً خوانده‌ایم، اما خواندن دوباره آن در ارتباط با موضوع خروج جدید بسیار مهم است. کولسیان فصل ۱ و آیات ۱۲ و ۱۳.

و سپاسگزار باشید، با شادی از پدری که شما را شایسته‌ی سهم شدن در میراث مقدسین یا قوم مقدس خود در پادشاهی نور کرده است، سپاسگزاری کنید، که با انواع زبان عهد عتیق طنین‌انداز است. آیه ۱۳، زیرا او ما را از سلطه‌ی تاریکی نجات داده و به پادشاهی پسر محبت خود آورده است، که در او رستگاری، بخشش گناهان را داریم. بنابراین یک بار دیگر، این زبان نجات از یک سلطه و انتقال به سلطه‌ی دیگر، یادآور حرکت خروج، نجات از ظلم و ستم و اکنون انتقال به پادشاهی خدا است.

اما سپس، با توصیف آن به عنوان عملی برای رستگاری، فکر می‌کنم به وضوح آن را به خروج نیز مرتبط می‌کند، که در نتیجه بخشش گناهان را به همراه دارد. در واقع، به عنوان یک پاورقی دیگر به این موضوع اگر به نظر من، یا اگر درست است، و به نظر من هست، معلمان دروغینی که پولس در کولسیان به آنها می‌پردازد یا با آنها مبارزه می‌کند، جنبشی در درون یهودیت هستند، حتی مهم‌تر خواهد بود که نویسنده می‌گوید خوانندگان او اکنون، خوانندگان غیریهودی او، قبلاً در خروج جدید شرکت کرده‌اند و نیازی به جذب شدن یا عضویت در این جنبش یهودی ندارند که به نظر من پشت آموزه‌ای است که پولس در کولسیان با آن مبارزه می‌کند. بنابراین اکنون آنها یک خروج را پشت سر گذاشته‌اند، از ظلم، پادشاهی تاریکی رهایی یافته‌اند، اکنون به پادشاهی خدا، در پادشاهی پسر خدا منتقل شده‌اند، و این به عنوان یک عمل رستگاری توصیف می‌شود، و این یک رستگاری یا رهایی از ظلم تحت گناه است.

همچنین ممکن است که ما باید زبان رستگاری دیگری را درک کنیم. ما در مورد رستگاری بیشتر در مورد موضوع الهیاتی کتاب مقدس در مورد رستگاری صحبت خواهیم کرد. اما همچنین ممکن است که ما باید برخی از زبان‌های رستگاری دیگر در نوشته‌های پولس را به گونه‌ای درک کنیم که در نهایت، حداقل به طور ضمنی، پیشینه‌ای در خروج داشته باشند.

بنابراین، در افسسیان فصل ۱ و آیه ۷، جایی که پولس نعمت‌هایی را که ما به واسطه پدر بودن خدا داریم توصیف می‌کند، در آیه ۷ می‌گوید، در او، در مسیح، ما از طریق خون او رستگاری، بخشش گناهان را داریم و سپس آیه ۱۴، در اشاره به روح القدس، که مهر ماست، که بیعانه‌ای است که میراث ما را تا رستگاری کسانی که در مالکیت خدا هستند تضمین می‌کند. شما زبان رستگاری را در رومیان فصل ۳ و به ویژه آیه ۲۴ می‌یابید، رومیان فصل ۳ آیه ۲۴، آیه ۲۳ می‌گوید، زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصرند، و همه به فیض او از طریق رستگاری که توسط مسیح عیسی آمد، آزادانه توجیه می‌شوند.

بنابراین، زبان رستگاری می‌تواند تصویر خروج را نیز منعکس و فرض کند، خروج به عنوان یک رستگاری، خدا قوم خود را از مصر نجات می‌دهد و آزاد می‌کند. در قلب معنای رستگاری دقیقاً همین است، آزاد کردن یا خریدن، آزاد کردن از، رهایی از. همانطور که گفتم، وقتی در مورد موضوع الهیاتی نجات بحث می‌کنیم، بیشتر به این زبان خواهیم پرداخت.

در پولس، احتمالات دیگر، یا چند تا از آنها، فکر می‌کنم کاملاً واضح است، اما پیوندهای احتمالی دیگری با خروج وجود دارد. اول قرن‌تین فصل ۵ و آیه ۷، اول قرن‌تین ۵، ۷. من برمی‌گردم و ۶ را می‌خوانم. لاف زدن شما خوب نیست. آیا نمی‌دانید که کمی خمیر مایه، تمام خمیر را ور می‌آورد؟ از شر خمیرمایه قدیمی خلاص شوید تا بتوانید خمیر تازه و بدون خمیرمایه باشید، همانطور که واقعاً هستید.

برای مسیح، بره عید فصح ما قربانی شده است. بنابراین اکنون مرگ مسیح بر روی صلیب برای گناهان قومش، در چارچوب یک بره قربانی، به عنوان بره عید فصح دیده می‌شود، نه فقط هر قربانی، بلکه به طور خاص‌تر، او آن را با بره عید فصح و قربانی عید فصح مرتبط می‌کند. بنابراین یک بار دیگر، مرگ عیسی بر روی صلیب، خروج جدیدی را آغاز می‌کند، که در آن مرگ خود عیسی، مرگ بره عید فصح است.

متن دیگری که در چند مورد خوانده‌ایم، احتمالاً خروج جدیدی را نیز فرض می‌کند، و این به این دلیل است که به نظر می‌رسد چند متن در این زمینه هستند و آن دوم قرن‌تین فصل ۶ است. دوم قرن‌تین فصل ۶، آیات ۱۷ و آیه ۱۶، چه توافقی بین معبد خدا و بت‌ها وجود دارد؟ زیرا ما معبد خدای زنده هستیم. همانطور ۱۶ که خدا گفته است، من با آنها زندگی خواهم کرد و در میان آنها راه خواهم رفت، و من خدای آنها خواهم بود، و آنها قوم من خواهند بود.

این متنی است که از فصل ۳۷ کتاب حزقیال آمده است، اما به نظر می‌رسد با لاویان ۲۶ نیز مرتبط است که در انتهای وعده خدا مبنی بر هدایت مردم به خارج از مصر و تأسیس مسکن یا پناهگاه خود در میان قومش آمده است. خروج فصل ۱۵ و آیه ۱۷. و بنابراین اکنون می‌توانیم بگوییم که اکنون خدا مسکن جدید خود را در خروج تأسیس کرده است.

هدف از خروج جدید او این است که قومش را بیاورد تا مسکن او را در میان آنها برقرار کند، که اکنون با زندگی خدا با قومش، معبد حقیقی خدا، محقق شده است. اما آیه ۱۷. آیه ۱۷، بنابراین، از آنها بیرون بیابید و جدا شوید، خداوند می‌گوید.

به چیز ناپاک دست نزنید، و من شما را خواهم پذیرفت. در باب اشعیا، این نقل قولی از بخشی از آن است که نقل قولی از باب ۵۲ و آیه ۱۱ اشعیا است. و در باب ۵۲ و آیه ۱۱ اشعیا، این را می‌خوانیم.

ای کسانی که وسایل خانه خداوند را حمل می‌کنید، از آن بیرون آیید، بیرون آیید، از آنجا بیرون بروید، به هیچ چیز ناپاک دست نزنید. از آن بیرون آیید و پاک باشید. ای کسانی که وسایل خانه خداوند را حمل می‌کنید، اما با عجله آنجا را ترک نخواهید کرد و نخواهید رفت.

این آیه ۱۲ است. چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنید این نقل قول از اشعیا ۱۱: ۵۲ در دوم قرنیتان ۶ توسط پولس است که در چارچوب یک خروج جدید و نو آمده است. به آیه بعدی توجه کنید: اما شما با عجله و گریزان نخواهید رفت، همانطور که بنی اسرائیل مصر را ترک کردند، زیرا خداوند پیشاپیش شما خواهد رفت.

خدای اسرائیل نگهبان عقب شما خواهد بود و زبان خروج بیشتری وجود خواهد داشت. به آیه اول، آیه ۵۲، برگردید: بیدار شوید، بیدار شوید، صهیون، خود را با قدرت بیوشانید، لباس‌های باشکوه را بپوشید اورشلیم، شهر مقدس، نامختونان و ناپاکان وارد شما نخواهند شد. لباس‌های خود را تکان دهید، برخیزید و خود را از زنجیرهای گردنتان آزاد کنید.

دختر صهیون اکنون اسیر است. بنابراین، باز هم، این به زبان رهایی از بندگی به تبعید است، اما آیه چهارم، برای این، همان چیزی است که خداوند متعال می‌گوید. در ابتدا، قوم من برای زندگی به مصر رفتند.

اخیراً آشور به آنها ظلم کرده است. بنابراین، چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنید، دوباره، زبان یک خروج جدید در فصل ۵۲ کتاب اشعیا است. بنابراین، یک بار دیگر، پولس اینطور فکر نمی‌کند که او فقط تکه‌هایی از متون عهد عتیق را بدون هدف خاصی برداشته باشد، اما احتمالاً نقل قول از اشعیا ۵۲ اکنون کل زمینه نجات قوم خود از تبعید توسط خدا، بازگرداندن آنها به صهیون، بازگرداندن آنها به سرزمینی که قرار است در آن به عنوان انسان باشند را با خود به همراه دارد.

و با انجام این کار، در ترک آشور، در ترک سرزمین تبعید خود، آنها نباید هیچ چیز ناپاک را لمس کنند. و آنها، باید از آنجا عزیمت کنند و بیرون بروند و دوباره پاک شوند، که منعکس کننده زبان خروج است. بنابراین، فصل ۵۲ اشعیا به وضوح در این زمینه است.

این یکی از این متون جدید خروج است که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم. و اکنون پولس در فصل ششم از دوم قرنیتان ۶، به همراه سایر متون عهد عتیق، نقل قول می‌کند که بار دیگر، برای نشان دادن لزوم پاکی با قوم خود، لزوم پاک بودن آنها به عنوان قوم مقدس خدا، معبد مقدس به عنوان بخشی از این خروج جدید که آنها تجربه کرده‌اند، است. به همین ترتیب، آنها نیز باید مانند معبد مقدس خدا پاک و طاهر باشند.

و باز هم، هدف خروج، سکونت خدا در خیمه‌اش با قومش بود. و بنابراین، پولس در آیه ۱۶، متنی را نقل می‌کند که ترکیبی از لاویان ۲۶ و همچنین حزقیال فصل ۳۷ است، هر دو متن نیز با مضامین خروج مرتبط هستند. یکی دیگر که حداقل ضمنی است، احتمالاً به طور ضمنی زبان خروج را تداعی می‌کند، افسسیان فصل دوم و آیات ۱۱ تا ۲۲ خواهد بود، متنی که دوباره، ما چندین بار به آنها پرداخته‌ایم، بنابراین من آن یا هیچ بخشی از آن را نمی‌خوانم، اما در افسسیان فصل دوم، آیات ۱۱ تا ۲۲، متنی دیدیم که در آن، یهودی و غیریهودی که رسماً از یکدیگر بیگانه و با یکدیگر دشمن بودند، اکنون از طریق مرگ و رستاخیز مسیح متحد شده‌اند.

اکنون خدا آنها را گرد هم آورده است، و شما آنها را در یک بشریت جدید، کلیسای که اکنون معبدی مقدس است و خدا از طریق روح خود در میان آنها ساکن است، احیا کرده‌اید. حال، آنچه جالب است، همانطور که قبلاً در زمینه‌های دیگر اشاره کردیم، این است که پولس بارها و بارها به متونی از اشعیا در زمینه احیا

اشاره می‌کند، که گفتیم مفهوم گسترده‌تر احیا در متن اشعیا به عنوان یک خروج جدید، ۴۰ تا ۵۵، در واقع تا ۶۶ است. خروج جدید یکی از راه‌های غالبی است که اشعیا احیای قوم خدا را به تصویر می‌کشد ۴۰.

حال، پولس از آن متون برای اثبات این واقعیت استفاده می‌کند که یهودیان و غیریهودیان در تحقق وعده‌های اشعیا مبنی بر بازگشت به زندگی عادی بازگردانده شده‌اند. این وعده‌ها در نهایت در چارچوب خروج جدید درک می‌شوند، و این می‌تواند نشان دهد که در افسسیان ۲:۱۱ تا ۲۲، ما باید این را در درک پولس از بازگشت یهودیان و غیریهودیان به یک بشریت جدید به عنوان تحقق نهایی پیش‌بینی اشعیا برای بازگشت به زندگی عادی درک کنیم. حال، جالب است که در بخشی که درست قبل از آن در فصل دوم، از فصل اول تا دهم، آمده است، که بخشی است که معمولاً در افسسیان بر آن تمرکز می‌کنیم، می‌بینیم که پولس خوانندگان خود را به عنوان کسانی که از سلطه شیطان نجات یافته‌اند یا رهایی یافته‌اند، خطاب می‌کند. بنابراین، حتی موضوع نجات نیز در آنجا وجود دارد.

ما قبلاً موضوع رستگاری را در افسسیان، فصل اول، آیه هفتم و آیه ۱۴ دیده‌ایم. اما اکنون می‌بینیم که قوم خدا از شیطان و قدرت گناه، آیه دوم، آیه اول، رهایی یافته و نجات یافته‌اند، زمانی که شما در گناهان و خطاهای خود مرده بودید. و زمانی که شما زندگی می‌کردید، همه ما زندگی می‌کردیم، شما، شما از راه‌های دنیا، حاکم پادشاهی هوا، روح پیروی می‌کردید.

اکنون، در عمل، شما در گرایش‌ها، خطاها، گناهان و خطاهای خود مرده بودید. اما اکنون خدا و عشق و رحمت عظیم او شما را با مسیح زنده کرده است. و شما را نجات داده است تا ثروت بی‌همتای فیض خود را نشان دهد.

بنابراین حتی در اینجا، ما رستگاری و رهایی را می‌یابیم، اما اکنون این ما را به انسانیت جدیدی بازمی‌گرداند همچنین جالب است که از بن‌مایه‌ی خروج پیروی کنیم؛ این موضوع با اشاره به معبد در فصل دوم به اوج خود می‌رسد، که ما اکنون هدف اصلی خروج هستیم. ما اکنون به یک خانه‌ی مقدس تبدیل شده‌ایم که خدا در آن زندگی می‌کند، یک پناهگاه، معبدی که خدا از طریق روح خود در آن ساکن است.

بنابراین، می‌توان تصور کرد که ما باید افسسیان دوم را بخوانیم، به خصوص با اشاراتی که به خروج دارد، در نهایت در چارچوب یک خروج جدید. بنابراین، در پایان ادبیات پولس، و متون دیگری نیز وجود دارند که احتمالاً می‌توانیم به آنها استناد کنیم، اما در پایان ادبیات پولس، از آنجایی که کلیسا قوم واقعی خداست، از آنجایی که کلیسا قوم عصر جدید، عهد جدید است، آنها اکنون یک خروج جدید را پشت سر گذاشته‌اند. آنها اکنون یک خروج جدید را پشت سر گذاشته‌اند، خروج جدیدی که پیامبران عهد عتیق وعده داده بودند.

و بنابراین، من فکر می‌کنم پولس، مطابق با آنچه در انجیل‌ها می‌یابیم، عیسی را به عنوان کسی که در حال انجام یک خروج جدید است، به تصویر می‌کشد، خروج جدیدی که هدف نهایی خروج اول را محقق می‌کند اما تحقق و تکمیل خروج جدیدی را که توسط متن نبوی پیش‌بینی شده است، به ارمغان می‌آورد. بنابراین، به گفته پولس، نجات ما باید در چارچوب یک خروج جدید که عیسی آن را محقق می‌کند و در آن تحقق می‌بخشد، درک شود و خروج جدید، نجات خروج پیش‌بینی شده در عهد عتیق را تکمیل کند. حال، تعدادی متون نبوی دیگر وجود دارد که می‌توانیم در سراسر عهد عتیق یا در سراسر عهد جدید به آنها اشاره کنیم.

من هم می‌خواهم به چند مورد از آنها بپردازم، و این فقط برای این است که قبل از رفتن به کتاب مکاشفه، اما احتمالاً عبرانیان فصل‌های سوم و چهارم، توضیح مختصری در مورد تعدادی از متون عبری بدهم. ما قبلاً به فصل‌های سوم و چهارم کتاب عبرانیان در زمینه سرزمین نگاه کردیم و در زمینه عهد، احتمالاً در فصل‌های سوم و چهارم کتاب عبرانیان، نویسنده، نویسنده نجات خود، عیسی، قوم عهد جدید را از نظر دستیابی به آرامشی که اسرائیل قرار بود در سرزمین موعود داشته باشد، تصور می‌کند. اما به نظر می‌رسد

عبرانیان فصل‌های سوم و چهارم، و حتی کتاب گسترده‌تر عبرانیان، روایت گسترده‌تر خروج از نجات قوم خود از مصر، سفر آنها در بیابان تا سرزمین موعود، از جمله اعطای شریعت در سینا، عبادت در خیمه‌ای که به آنها داده شده بود، دستورالعمل ساخت خیمه‌ای که به موسی داده شده بود و مردمی که به سرزمین موعود منتهی می‌شدند، جایی که آنها واقعاً نتوانستند وارد شوند، را در نظر می‌گیرد.

و حالا انگار نویسنده از این موضوع استفاده می‌کند تا به خوانندگان هشدار دهد که همان اشتباهی را که اجدادشان مرتکب شده بودند، تکرار نکنند. بنابراین حتی در عبرانیان سه و چهار، مقایسه‌ی آرامشی که اکنون وارد آن می‌شویم و آرامشی که در آینده وارد آن خواهیم شد، که اکنون در عیسی مسیح داریم و در مقایسه با آن یا تحقق آرامشی که به آن وعده داده شده بود، به نظر می‌رسد که به مضمون خروج نیز استناد می‌کند، به طوری که آرامش ما، آرامش، آرامش نجاتی که اکنون تجربه می‌کنیم و وارد آن می‌شویم، که عیسی مسیح اکنون ارائه و ارائه می‌شود، در نهایت می‌تواند در پرتو یک خروج جدید دیده شود. در واقع، باز هم حتی گسترده‌تر از آن، به نظر می‌رسد که نه منحصرأ، بلکه عمدتاً مضمون خروج در پشت بخش زیادی از کتاب عبرانیان نهفته است.

مفهوم تحقق بخشیدن به خیمه معبد خدا توسط عیسی، جایگزینی عیسی به جای سیستم قربانی عهد عتیق فراهم کردن نجاتی بزرگتر از نجات یوشع برای قومش، فراهم کردن آرامش برای قومش توسط عیسی. باز هم، به نظر می‌رسد همه اینها حداقل تا حدی در چارچوب خروج قرار دارند. به طوری که یک بار دیگر نجاتی که قوم خدا اکنون به واسطه تدارک مسیح و عیسی تجربه می‌کنند و از آن لذت می‌برند، و همچنین مرگ فداکارانه او بر روی صلیب به عنوان تکمیل قربانی‌های عهد عتیق، همه حداقل به این انگیزه که نجات ما یک خروج جدید است، کمک می‌کنند.

بنابراین، حتی بخش زیادی از زبان عبری را می‌توان در چارچوب یک خروج جدید درک کرد. احتمالاً، باز هم بخش‌های دیگری در عهد جدید خارج از ادبیات پولس وجود دارد که می‌توانیم به آنها اشاره کنیم، اما می‌خواهم بحث خود را با رفتن به آخرین کتاب عهد جدید به پایان برسانم. و آن کتاب مکاشفه است، جایی که مضمون خروج در واقع یک مضمون صریح است که در سراسر کتاب، با اشاره به نجات ما، بسط داده شده است.

نکته دیگری که قبل از بررسی مکاشفه باید بگویم، خروج است، هم خروج اصلی، یعنی هدف خروج اصلی و هم خروج جدید نبوی، در عهد جدید به تحقق می‌پیوندند، اما به ویژه در مکاشفه، بار دیگر، مطابق با طرح فرجام‌شناسی از پیش تعیین‌شده، اما نه هنوز، تحقق می‌یابند. بسیاری از متونی که قبلاً بررسی کرده‌ایم، در انجیل‌ها و ادبیات پولس، و تا حدودی در عبرانیان، به نظر می‌رسد بر این جنبه تمرکز دارند که عیسی قبلاً به تبعید پایان داده است. او یک نجات جدید در خروج آورده است، و ما آن را در انجیل، انجیل‌ها و اعمال رسولان و ادبیات نامه‌های پولس داریم. نجاتی که اکنون در عیسی مسیح در آن سهیم هستیم، باید به عنوان یک خروج جدید توصیف شود.

خواهیم دید که حتی در مکاشفه، هنوز برخی از ابعاد از پیش موجود نجات جدید در خروج وجود دارد، اما عمدتاً، یوحنا، نویسنده مکاشفه، اوج نه هنوز یا آینده مضمون خروج را پیش‌بینی می‌کند. همچنین خواهیم دید که نویسنده مکاشفه از شباهت‌ها، هم با خروج اصلی از مصر، و هم با اشارات ظاهری به خروج، روایت اصلی خروج، و به نظر من، سایر ادبیات یهودی که آن را روایت می‌کنند، بهره می‌برد. اما به نظر من، یوحنا همچنین از زبان جدید خروج، از کتاب اشعیا، بهره می‌برد.

و من سعی خواهیم کرد، ما سعی خواهیم کرد چند جایی را که این اتفاق می‌افتد نشان دهیم. بنابراین نقطه شروع، فصل اول و آیات پنج و شش مکاشفه، مکاشفه یک، پنج و شش، و اغلب، اغلب همان ابتدای متون همان ابتدای کتاب‌های عهد جدید، می‌تواند مهم باشد زیرا آنها اغلب شما را برای نحوه خواندن بقیه کتاب

آماده می‌کنند. آنها اغلب، نه همیشه، و نه به طور کامل، گاهی اوقات مضامین را بعداً معرفی می‌کنند، اما اغلب مضامین کلیدی را در ابتدای کتاب معرفی می‌کنند، برای اینکه نویسندگان چگونه می‌خواهند شما پیشرفت‌های آینده کتاب را درک کنید.

بنابراین فصل اول، آیات پنجم و ششم در بخش درود یک نامه معمولی قرن اول، با آیه چهارم شروع می‌کنم، یوحنا به هفت کلیسا در استان آسیا، فیض و آرامش بر شما باد از جانب او که هست، و بود، و خواهد آمد، و از جانب هفت روح پیش تخت او، و از جانب عیسی مسیح، که شاهد امین، نخست‌زاده مردگان و فرمانروای پادشاهان زمین است، به سوی او که ما را دوست دارد و ما را با خون خود از گناهانمان رهایی بخشیده و ما را برای خدمت به پادشاهی کاهنان، برای خدمت به پادشاهی کاهنان و برای خدمت به خدای او و پدرش، تا ابدالآباد جلال و قدرت باد. آمین. می‌خواهم در اینجا به دو نکته توجه کنید

اول از همه، اشاره روشنی به رهایی یا بازخرید شدن از گناهانمان توسط خون او وجود دارد، که به نظر من، یک توهم آشکار در کتاب خروج است. باز هم، رهایی یا آزادی از اسارت، این بار مطابق با عهد جدید آزادی و رهایی لزوماً از یک حاکم یا ستمگر خارجی نیست، بلکه آزادی از اسارت گناه است. بنابراین، ما توسط خون او از گناهان رهایی یافته یا رهایی یافته‌ایم.

باز هم، شاید با یادآوری مضمون بره عید فصح، این را مطرح کنیم، اما چیزی که به نظر من این را تقویت می‌کند، آیه ششم است و ما را به پادشاهی و کاهن تبدیل کرده است، که دیده‌ایم یک توهم برای خروج ۱۹ آیه ششم است. بنابراین، پس از خروج، خدا قوم خود را نجات می‌دهد و آنها را آزاد می‌کند، آنها را به هدفی که در خروج ۱۹ آمده است، آزاد می‌کند، تا قوم او باشند و آنها پادشاهی کاهنان او باشند. بنابراین فکر می‌کنم فصل‌های اول، پنجم و ششم در اینجا به مضمون خروج اشاره دارند، همانطور که اسرئیل از مصر رهایی یافت و از مصر نجات یافت و آزاد و رهایی یافت تا پادشاهی کاهنان باشد.

حال، در عهد جدید می‌بینیم که قوم خدا نیز به وسیله خون او از گناه آزاد و رهایی یافتند تا بتوانند به عنوان پادشاهی کاهنان عمل کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که این همان اشاره‌ای است به آنچه مسیح قبلاً برای قوم خود در ایجاد یک خروج، یک رستگاری جدید از طریق خروج، انجام داده است. باز هم، به نظر نمی‌رسد که نویسنده به مضمون خروج جدید از اشعیا اشاره کند، اما به وضوح رستگاری ما را بر اساس یک خروج جدید تصور می‌کند.

یعنی ما به وسیله خون او و به منظور پادشاهی کاهنان، رهایی یافته و آزاد شده‌ایم. مضمون خروج زمانی واضح‌تر می‌شود که نویسنده ظاهراً خروج اصلی را به شکل داورهای شیپور و گاو نر در مکاشفه ۸ و ۹ در مکاشفه ۱۶ به یاد می‌آورد. شاید یکی از آنها را به یاد بیاورید، در مرکز کتاب مکاشفه، یکی از ویژگی‌های غالب از نظر ادبی و همچنین الهیاتی، این چرخه سه‌گانه هفت بلا است.

با هفت مهر آغاز می‌شود، که سپس در فصل ششم، جای خود را به هفت شیپور می‌دهند، و در فصل‌های هشتم، نهم، و سپس سرانجام در فصل شانزدهم، هفت گاو نر، به طوری که این چرخه سه‌گانه هفت‌گانه هفت بلا را به همراه دارد. نکته جالب این است که وقتی توالی شیپور و گاو نر را با دقت می‌خوانید، خیلی خیلی سخت است که به آن فکر نکنید، به خصوص وقتی که آن را با توجه به زمینه وسیع‌تر توسعه مضمون خروج در مکاشفه می‌خوانید، اما نخواندن این مطلب بسیار دشوار است. و من فکر می‌کنم نخواندن این مطلب در زمینه بلاهای خروج غیرممکن است.

بگذارید فقط چند تا از اینها را بخوانم یا شاید خلاصه‌ای از آنها را بگویم. نمی‌خواهم این بخش‌ها یا فصل‌ها را به طور کامل بخوانم، اما بگذارید شاید فقط چند بخش را بخوانم یا به اندازه کافی خلاصه کنم تا ارتباط را ببینید. خب، این هفت شیپور اینجاست.

فرشته اول شیپور خود را به صدا درآورد و تگرگ و آتش آمیخته با خون بارید و بر زمین فرو ریخت. دوباره، من فقط سریع حرکت می‌کنم.

من تمام آن را نمی‌خوانم. فرشته دوم شیپور خود را به صدا درآورد. چیزی مانند کوهی عظیم شعله‌ور شد.

یک سوم دریا به خون تبدیل شد و یک سوم موجودات زنده مردند. بیایید آیه ۱۰ را ببینیم. فرشته سوم شیپور خود را به صدا درآورد.

ستاره‌ای بزرگ و فروزان مانند مشعل از آسمان بر یک سوم رودخانه‌ها و چشمه‌های آب افتاد و سپس آنها چنان تلخ شدند که مردمی که از آنها نوشیدند، مردند. فرشته چهارم شیپور خود را به صدا درآورد.

یک سوم خورشید، یک سوم ماه و یک سوم ستارگان آسیب دیدند. بنابراین، یک سوم آنها تاریک شدند. یک سوم روز بدون نور بود.

مورد بعدی، جالب توجه است، طاعونی است که در آن فرشته پنجم می‌آید و شیپور می‌زند. من دیدم که ستاره‌ای از آسمان به زمین افتاد، از آسمان به زمین افتاد. به آن ستاره کلید چاه هاویه داده شد.

وقتی او مگاک را گشود، دودی همچون دود از کوره‌ای غول‌پیکر برخاست. خورشید و آسمان از دود تیره شدند و از میان دود، ملخ‌ها بیرون آمدند). آیه سوم (و نویسندگان ظاهر آن ملخ‌ها را توصیف می‌کند.

خب، آیا ارتباطش را با بلایا می‌بینید؟ بیشتر اینها با بلایا ارتباط دارند. تبدیل شدن آب به خون، ملخ‌ها، آبی که به دلیل خون غیرقابل آشامیدن است، تاریک شدن حداقل بخشی از روز به دلیل بلا که حالا خدا گاه را می‌ریزد، اشاره به تگرگ، در شیپور اول، همه اینها ارتباط واضحی با بلاهای خروج دارند. همین امر در مورد باب ۱۶ و جاری شدن کاسه‌های خشم خدا نیز صادق است.

بنابراین، فرشته اول رفت؛ این فصل ۱۶ است، آیه دوم، جام خود را ریخت و زخم‌های زشتی بیرون آمد و همه مردمی که نشان وحش را نداشتند. فرشته دوم جام خود را ریخت و آن را روی دریا گذاشت و آن را مانند خون کرد، یا آن را به خون مانند خون یک مرده تبدیل کرد. و هر موجود زنده‌ای مرد.

فرشته سوم جام خود را در رودخانه و چشمه‌های آب ریخت و آنها به خون تبدیل شدند. فرشته چهارم جام خود را در آفتاب ریخت و خورشید اجازه داد تا مردم را با آتش بسوزاند. آنها با گرمای شدید سوختند.

فرشته پنجم جام خود را بر تخت وحش ریخت و پادشاهی درست مانند پادشاهی فرعون در تاریکی فرو رفت. مردم از درد زبان‌های خود را می‌جویدند و خدا را نفرین می‌کردند. فرشته ششم جام خود را در رودخانه بزرگ فرات ریخت.

آب آن خشک شد تا راه پادشاهان زمین را هموار کند. سپس سه روح ناپاک را دیدم که شبیه قورباغه بودند. بنابراین واضح است که من در اینجا متوقف می‌شوم.

واضح است که نویسندگان در این دو چرخه آخر بلاها در فصل‌های هشت و نه با شیپورها و اکنون در فصل با گاوها می‌خواهد این داوری‌ها را بر بشریت به شیوه بلاهای خروج، که داوری بر مصر بودند، ارائه دهد ۱۶ حال، هدف من توصیف دقیق این نیست که اینها چه هستند، چه شکلی دارند و چگونه محقق می‌شوند. بحث‌های زیادی در مورد این موضوع وجود دارد و هدف من این نیست.

قصه من صرفاً این است که نشان دهم چگونه این موارد در مضمون خروج در مکاشفه نقش دارند. و فکر می‌کنم ارتباط آنها کاملاً واضح است، همانطور که خداوند داوری خود را بر مردمی ستمگر و شرور، بر حاکمی ستمگر و شرور به نام مصر نازل کرد، پیش از آنکه قوم خود را نجات دهد و رهایی بخشد و آنها را به رستگاری و میراثشان برساند. به همین ترتیب، خداوند بار دیگر داوری‌های خود، داوری و بلاهای شبیه به خروج خود را بر یک حاکم ستمگر و شرور، این بار امپراتوری روم و امپراتور، در آماده‌سازی و به عنوان مقدمه‌ای برای رهایی قوم خود و رساندن آنها به میراثشان در خروج، نازل خواهد کرد، که به نظر من به خلقت جدید مکاشفه ۲۱ و ۲۲ ختم می‌شود.

بنابراین، داستان خروج، زیربنای برداشت مکاشفه از مکاشفه و درک رستگاری است. بخشی از دلیل اینکه نویسنده از بن‌مایه خروج استفاده می‌کند این است که می‌خواهد خوانندگانش وضعیت خود را از زاویه جدیدی ببینند. وضعیت آنها در روم باید مانند مصر درک شود، جایی که آنها در اسارت این واقعیت هستند که توسط امپراتوری روم سرکوب می‌شوند.

و این مستلزم رهایی از نوع خروج است که خود خدا آن را به ارمغان خواهد آورد. اما این با داوری‌های همراه آن نشان داده می‌شود که ما طاعون را خواهیم آورد، داوری‌های طاعونی مانند خروج که او بر ملت شرور دیگری، امپراتوری روم، نازل خواهد کرد. و من می‌گویم هر ملت ستمگر شروری که به قوم خدا آسیب می‌رساند و به آنها ظلم می‌کند و سعی در خنثی کردن اهداف خدا دارد.

آنها نیز در معرض این بلاهای شبیه به دوران خروج قرار خواهند گرفت که مقدمه‌ای بر نجات و رهایی، خداوند، رهایی قومش برای تبدیل شدن به پادشاهی کاهنان و در نهایت به ارث بردن، به ارث بردن سرزمین خلقت جدید مکاشفه ۲۱ و ۲۲ هستند. جالب اینجاست که درست قبل از داوری‌های جسورانه در فصل ۱۶ که دیدیم، با دقت از بلاهای دوران خروج الگو برداری شده‌اند. درست قبل از آن، فکر می‌کنم در فصل ۱۵ اشاره‌ای واضح به دوران خروج می‌بینیم.

بنابراین، دوباره، فقط برای خلاصه کردن، هشت، نه و ۱۶ است، به تمام شباهت‌های بلاها، تاریکی، تگرگ تبدیل شدن آب به خون، تاریکی روز یا پادشاهی، ملخ‌ها، قورباغه‌ها، زخم‌ها توجه کنید، انواع شباهت‌ها با خروج وجود دارد. اما قبل از فصل ۱۶ و کاسه‌های خشم خدا که قرار است خروج را مدل‌سازی کنند، به آنچه در شروع فصل ۱۵ می‌بینیم توجه کنید، به نوعی در آماده‌سازی برای آن ۱۵، من در آسمان یک نشانه بزرگ و شگفت‌انگیز دیگر دیدم، هفت فرشته با هفت بالای آخر، زیرا آنها آخرین هستند زیرا با آنها خشم خدا کامل می‌شود. حالا، دوباره، قبل از اینکه بلاها را بیرون بکشد و بریزد، شما را با صحنه جالب دیگری آشنا می‌کند.

و چیزی دیدم که مانند دریایی از شیشه بود که از آتش می‌درخشید و در کنار دریا ایستاده بود. کسانی که بر حیوان به تصویر او و بر عدد نامش پیروز شده بودند، چنگ‌هایی را که خودشان داده بودند، در دست داشتند و سرود بنده خدا، موسی، و بره را می‌خواندند. و سپس ادامه می‌یابد.

عظیم و شگفت‌انگیز است اعمال تو، ای خداوند، خدای قادر مطلق، عادلانه و درست است راه‌های تو. ای پادشاه ملت‌هایی که نمی‌خواهند، از تو نمی‌ترسند، ای خداوند، و نام تو را جلال می‌بخشم، زیرا تو تنها قدوس هستی. همه ملت‌ها خواهند آمد و در حضور تو برای تو پرستش خواهند کرد.

اعمال نیک تو آشکار شده است. حال، اگر به عقب برگردید و خروج ۱۵، سرود موسی، را بخوانید، این سرود از نظر کلمات شباهت زیادی به آن ندارد. یوحنا در واقع متون دیگری را برای ساختن چیزی که نه تنها سرود موسی، بلکه سرود بره نیز می‌نامد، آورده است.

اما می‌خواهم تصویر واضح و روشنی از اینجا داشته باشید. ما قوم خدا را داریم که در کنار دریا ایستاده‌اند، دریایی که او آن را به عنوان دریایی از شیشه توصیف می‌کند - حالا سرود موسی را می‌خوانند و دقیقاً همان چیزی را که در خروج اتفاق افتاده است تکرار می‌کنند.

مردم از دریا عبور می‌کنند و حالا کنار دریا ایستاده‌اند. و در فصل ۱۵ سفر خروج، سرود موسی را در حال خواندن می‌بینیم. حالا دقیقاً همین اتفاق در مکاشفه فصل ۱۵ رخ می‌دهد؛ درست قبل از آن، شاهد بارش طاعون هستیم.

بنابراین، یک بار دیگر، همه اینها را کنار هم قرار می‌دهیم، در آماده‌سازی برای خدا، قومش را در جایی که آنها، جایی که از دریا بیرون می‌آیند و سرود موسی را می‌خوانند، نجات می‌دهیم. همچنین می‌بینیم که خدا داوری خود را بر یک امپراتوری ستمگر و شیطانی نازل می‌کند، در آماده‌سازی برای اینکه خدا قومش را نجات دهد و آنها را نجات دهد و نجات دهد تا بتوانند وعده‌های خدا را برای خود به ارث ببرند. در فصل ۲۱، فکر می‌کنم اوج مضمون خروج برای مضمون جدید خروج، فصل ۲۱ و آیه سوم را می‌یابیم.

ما قبلاً به این موضوع به عنوان یک فریب در زمینه خلقت جدید نگاه کرده‌ایم، اما من فکر می‌کنم این همان است. این، این میراث اسرائیل و غیریهودیان است. این میراث قوم خداست که قرار بود در تگزاس اول به ارث ببرند، همانطور که خدا آنها را از خروج اول بیرون آورد تا زمین را به ارث ببرند، آنها را در زمین ساکن کند و در میان آنها ساکن شود.

ما همین را اینجا می‌یابیم. خداوند قوم خود را در یک خروج جدید در چارچوب داوری از طریق بلاها، قوم ستمگری که به آنها آسیب می‌رساند، نجات می‌دهد و آزاد می‌کند. اکنون، خداوند آنها را در یک خروج جدید نجات می‌دهد و آنها را به سرزمین میراثشان، که خلقت جدید است، بازمی‌گرداند.

بنابراین، برای مثال، در آیات ۲۱، ۲۱ و ۳، هدف خروج این است. اکنون مسکن خدا در میان مردم است. او با آنها ساکن خواهد شد.

آنها مانند انسان خواهند بود و خود خدا با آنها خواهد بود. آنها خدا هستند، که گفتیم اشاره‌ای به حزقیال فصل ۳۷، لاویان ۲۶ است. هدف خروج ۱۷:۱۵ این است که خدا پناهگاهی برای آنها در میانشان قرار دهد.

حال، این چیزی است که ما در فصل سوم مکاشفه ۲۱ می‌بینیم. اما اگر بتوانم کمی به عقب برگردم، در پایان آیه اول، یوحنا در آیه اول می‌گوید، من آسمانی جدید، زمینی جدید، آسمان اول و زمین اول را دیدم که از بین رفتند. و دیگر دریایی وجود نداشت.

به نظر من، این بخشی از بن‌مایه جدید خروج است. به یاد داشته باشید که در اشعیا فصل ۵۱ و ۹ و ۱۰ و چند متن دیگر، دیدیم که خدا بار دیگر دریا را خشک می‌کند. دریا نمادی از شر و هرج و مرج و چیزی بود که به قوم خدا آسیب می‌رساند، چیزی که مانند خروج اول، مانعی برای قوم خدا بود، مانعی برای عبور قوم خدا و در نهایت رسیدن به سرزمین به همان روش.

دریا در اینجا نمادین یا استعاره‌ای از شر و هرج و مرج است. در اواخر فصل‌های قبل‌تر، این هیولایی است. که از دریا بیرون می‌آید. در فصل ۱۳، دریا خانه‌ی هیولا است.

این نشان دهنده چیزی است که شر و مضر است، چیزی که با قوم خدا دشمنی دارد. اکنون در یک خروج جدید، خدا نه تنها آن را جدا می‌کند، بلکه آن را محو می‌کند. ناپدید می‌شود.

بنابراین، من فکر می‌کنم این ناپدید شدن دریا در فصل اول، آیه اول، بخشی از دریای خروج است. این، یا بن‌مایه خروج است. این ناپدید شدن، ناپدید شدن نهایی دریای سرخ است که باعث می‌شود با قوم خدا دشمنی شود و به آنها آسیب برساند، نمادی از شر، خانه وحش، و مانعی برای عبور از سرزمین آنها باشد.

حالا که برداشته شده، می‌توانند به سرزمین خود بروند و آن را به ارث ببرند، که همان خلقت جدید است. یک نکته واضح دیگر: فکر می‌کنم متن خروج و متن خروج جدید در آیه پنجم یافت می‌شوند. او که بر «[زمین] نشسته بود، گفت»: اینک، من همه چیز را نو می‌سازم.

این اشاره مستقیمی به کتاب اشعیا، به ویژه فصل ۴۲، اشعیا فصل ۴۲ است، جایی که نویسنده می‌گوید، دوباره، خدا به گونه‌ای تصویر شده است که می‌گوید، من همه چیز را نو می‌سازم، یا من چیزها را نو می‌سازم که جالب اینجاست که در اشعیا ۴۲ در زمینه خلقت جدید است یا اشعیا فصل ۴۳ در زمینه خروج جدید است. و جالب اینجاست که اگر استفاده نویسنده از متن عهد عتیق را برای همراه داشتن، زمینه آنها، این نقل قول، این توهم یا این نقل قول از اشعیا فصل ۴۳ را درک کنیم، آنگاه معانی ضمنی جدیدی از خروج را به همراه خواهد داشت. بنابراین، یوحنا از یک متن جدید عهد عتیق در زمینه تصویرسازی جدید خروج اشعیا نقل قول کرده است.

بنابراین، با کنار هم قرار دادن همه اینها، کتاب مکاشفه، رستگاری آخرالزمانی آینده ما را به عنوان تحقق نهایی خروج می‌بیند، جایی که خداوند قوم خود را رهایی بخشیده و نجات خواهد داد. او همزمان، داوری خود، داوری طاعون خروج خود را بر ملتی شرور و ستمگر نازل خواهد کرد. او قوم خود را نجات داده و آزاد خواهد کرد.

آنها در کنار دریا خواهند ایستاد و سرود موسی و بره را خواهند خواند، و سپس وارد میراث خود خواهند شد، جایی که دیگر دریای سرخی وجود نخواهد داشت؛ به همین ترتیب، خداوند دریای سرخ را خشک کرد تا اسرائیل بتواند به سرزمین خود عبور کند. در عین حال، قوم خدا روزی دریای سرخ دردسر را ناپدید شده، خواهند یافت تا بتوانند به سرزمین خود، میراث خود، خلقت جدید، عبور کنند، جایی که در تکمیل خروج خداوند در میان آنها ساکن خواهد شد و آنها قوم او خواهند بود و او خدای او خواهد بود. بنابراین، خود مکاشفه با انواع زبان‌های خروج طنین‌انداز می‌شود، بنابراین یکی از مهمترین راه‌هایی که کتاب مکاشفه رستگاری ما را تصور می‌کند، از نظر خروج یا از نظر خروج جدید است.

«هر دو می‌دانند که خدا با قوم خود چه کرده است، اما برای به تصویر کشیدن «هنوز نه»، «خروج جدید که خدا قصد دارد در آینده به خلقت جدیدی منجر شود».

این سخنرانی دکتر دیو متیوسون در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید است. این جلسه خروج جدید، بخش ۲ است، ۱۹.